



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۱/۰۹

دوکتور محمد صادق ارغندیوال

طالبان در مسکو و تعظیم به لینن

بدنبال بالا گرفتن جنگ در افغانستان که بیشترین قربانی آن مردم عام ضمن حملات انتحاری و مابین های کنار جاده میباشد؛ دولت افغانستان طی بیشتر از ده سال اخیر جهت دست یابی به صلح هر در را دق الباب و تا سرحد عذر و زاری از گروه های متخاصم در خواست صلح کرده است. اما گروه مخالف یا طالبان که ظاهراً برای اسلام و آزادی میجنگند، به تمام درخواست های دولت افغانستان جواب رد داده و حتی از رفتن به اجلاس علمای دنیای اسلام که در شهر های مکه مکرمه و جده که بخاطر ختم جنگ و احیای صلح در افغانستان دایر شده بود، آبا ورزیدند. البته که بقیه اجلاس های مشابه، چون اجلاس علمای اسلام در جاگارتای – اندونیزیا که باز هم بخاطر تأمین صلح در افغانستان برگزار شده بود – باشد در جایش. اگر طالبان بخاطر اسلام میجنگند باید دعوت علمای جهان اسلام را جهت اشتراک در اجلاس مکه مکرمه و جده فقط به خاطر احترام به قبله مسلمان و حرمت خانه خداوند(ج) میپذیرفتند. متأسفانه طالبان با وجود آنکه خود را بهترین مسلمانان روی زمین معرفی میکنند، اما ایشان با وقاحت تمام از رفتن به شهر های مقدس مکه و جده آبا، و به دعوت علمای جهان اسلام در زمینه جواب رد دادند. اما حالا چطور شد که طالبان جهت مذاکرات به اصطلاح صلح به مسکو یا به جایی میروند، که منشا تمام بدبختی مردم افغانستان طی چهل سال اخیر از آنجا سرچشمه میگردد. بدین معنی که طالبان درحالی به مسکو و به تعظیم جسد لینن خبیث میروند که تمام ارزشهای جهاد مقدس و خون ملیونها شهید مردم افغانستان را علیه اشغال شوروی ها زیر پا گذاشته، فقط در راستای منافع شیطانی سردمداران نظامی پاکستان خود شانرا بازیچه و آله دست سازمان استخبارات نظامی پاکستان ساخته اند. خوب شد که دولت افغانستان در اجلاس مذکور شرکت نکرد، زیرا دولتمردان افغانستان حد اقل اینرا میدانند که پاکستان و روسیه طی این جلسه در تلاش کمایی و وجهه بیشتر در سطح جهانی برای طالبان میباشدند، نه برای تأمین صلح در افغانستان جنگ زده. اگر چند نفر از شورای نام نهاد صلح بمانند روایت در جلسه مذکور شرکت کرده اند، حرف جداست. اینکه طالبان بدون در نظر داشت خون ملیونها شهید در جریان جهاد مقدس علیه اشغالگران روس به مسکو و به تعظیم لینن و پیروان اش رفته اند، مبارک شان باد.

طالبان – یا ملیشای پاکستان؟

فاز سوم جنگهای داخلی افغانستان به ابتکار پاکستان در وجود ملیشای خود ساخت اینکشور زیر نام جنبش طالبان در نیمه سال ۲۰۰۳ میلادی زمانی آغاز شد که دولت بر سر اقتدار افغانستان تحت رهبری حامد کرزی و شرکای تنظیمی آن بخصوص اتحاد شمال سخت مصروف چپاول و دزدی ملیونها دالری بودند که جامعه جهانی بخاطر اعمار دوباره افغانستان سخاوتمندانه عطا میکرد. کرزی و همکاسه های تنظیمی و تعدادی هم غربی اش بیخبر از توطئه کشور های همسایه با بی تفاوتی تمام در امر سرنوشت ملت، چوکی ها و کرسی ها مهم دولتی بخصوص دفاع، خارجه، داخله و امنیت ملی را بخاطر دسترسی به قدرت و دالر در حالی سخاوتمندانه به افراد بیکیفایت سمتی، قومی و جهادی عطا مینمود که در آنطرف ارگان های استخباراتی – نظامی و دیپلماسی پاکستان در استفاده از فرصت در یک پلان کاملاً منظم و حساب شده، ملیشای خود ساخت اش را تحت نام جنبش طالبان بار دیگر وارد جنگ افغانستان و همزمان با راه اندازی تبلیغات دامنه دار در اندک زمان توانست آنها را بعنوان جنبش مقاومت برخاسته از داخل افغانستان تحت نام جنبش طالبان به جهانیان و مردم منطقه معرفی نماید. این در حالی بود که اکثریت بقایای امارت سرنگون شده طالبان کشته، دستگیر و یا هم به دولت افغانستان پیوسته بودند.

نخستین حملات ملیشای پاکستان تحت نام جنبش طالبان در ساحه پلچرخ و علیه عساکر گزمه کانادایی صورت گرفت. درحالیکه قضیه و چگونگی حمله کاملاً آشکار بود، اما کرزی و اعضای دولت بیکیفایت تنظیمی اش نتوانستند از همان اول - گریبان پاکستان را گرفته و قضیه به جهانیان آفتابی سازند. گذشت ها و چشم پوشی های بعدی در موارد

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولئ

مشابه و بمراتب بدتر از آن، پاکستانی ها را زلند تر ساخته و همزمان قدرتمندان حکومت و دولت افغانستان خود تحت تاثیر تبلیغات بی امان پاکستان، نام طالبان را وارد مطبوعات افغانستان نموده، بدینترتیب به مداخله پاکستانی ها در وجود ملیشای شان تحت نام طالبان بنوعی برائت قائل شدند. شرم آور اینکه این مأمول در تمام مطبوعات رسمی و غیر رسمی افغانستان مروج و تاهنوز ادامه دارد؛ یعنی استفاده از نام طالب و طالبان بجای ملیشای پاکستان و رسماً برائت دادن استخبارات نظامی پاکستان در جنگ نا اعلان شده اینکشور علیه مردم و دولت افغانستان. همزمان پاکستانی ها با راه اندازی تبلیغات بی امان و افسونگر در سطح جهانی ملیشای خود ساخت شانرا بعنوان جنبش طالبان وبرخاسته از جامعه افغانستان معرفی و انرا وارد مطبوعات جهان ساختند. طوریکه ده سال قبل هم در سایت وزین افغان جرمن در مقاله تحت عنوان **{ { جنبش شایعات وافواهات آی.اس.آی وپیروزی سیاست های پاکستان در افغانستان}}**

http://www.afghangerman.net/upload/Tahlilha_PDF/sadeq_arghandiwal_chanbar_shaiat_isi.pdf

و

http://www.afghan-german.com/tahLiLha/Edit_Comments_1.aspx?3761

موضوع را به بررسی گرفتیم، راه اندازی تبلیغات دامنه دار استخبارات پاکستان و ایران افکار بسیاری از افغانها را خلاف منافع ملی شان مغشوش و بخدمت گرفته است. دردمندانه باید بگویم که همین حالا تعدادی از نشرات و رسانه های افغانی در داخل و خارج افغانستان بدون اینکه عاقلانه فکر کنند تحت تاثیر تبلیغات سازمانهای استخباراتی و اطلاعاتی ایران و پاکستان غیر ارادی در راستای منافع شیطانی ایندو کشور منافع ملی افغانها و موجودیت قوتهای ناتو در افغانستان را پیهم سبوتاژ میکنند. در حالیکه همه میدانیم در شرایط شکنند کنونی با بیرون رفتن قوتهای نظامی ناتو از افغانستان، کشور ما بسرعت درگیری جنگ داخلی و بعد هم در میان کشور های مغرض همسایه تقسیم خواهد شد.

و چند راز آشکار و پنهان دیگر

کودتای ثور و تهاجم نظامی ارتش اشغالگر سرخ به افغانستان جهت حفظ و بقای رژیم تحمیلی والحادی کمونستی که دور نمای انرا تبدیل افغانستان به یکی از جمهوریت شانزده گانه اتحاد شوروی میساخت، یکی از سیاه ترین وخونینترین صفحات تاریخ معاصر افغانستان و جهان بشمار میرود. با آنکه بعد از اشغال افغانستان، ارتش سرخ در پشت دروازه های پاکستان در صدد راه یافتن به آبهای گرم بود، اما مقاومت مردم افغانستان در برابر اشغالگران روس، خرسهای قطبی را مجبور به فرار از منطقه، و پاکستان را از خطر حتمی پامال شدن توسط ارتش مذکور نجات داد. اما سردمداران پاکستانی خلاف تمام ارزشهای اسلامی و انسانی بدون خورسندی و تحسین مردم افغانستان، با حيله ونیرنگ فاز دوم جنگهای داخلی و تنظیمی را بالای مردم ما تحمیل نمودند؛ زیرا بدنبال فرار ارتش اشغالگر روس، با آنکه رژیم تحت حمایت آن در افغانستان عملاً حاضر به مصالحه با طرف های نیدخل بود، اما دست قوی استخبارات نظامی پاکستان با خیالات شیطانی، نه تنها صلح را برای افغانها سراب ساخت، بلکه با شعله ورساختن جنگها تنظیمی زمینه برای ورود ملیشای خود ساخت اش تحت نام جنبش طالبان به کابل و غصب قدرت مهیا ساخت. در زمان امارت نامنهاد طالبان در حالیکه افغانستان تقریباً تحت قیومت پاکستان قرار داشت؛ پاکستانی ها تصمیم داشتند در آینده از منابع انسانی، اقتصادی و ارضی افغانستان در زدن حریف شان هندوستان و گسترش امارت اسلامی بسوی آسیای میانه با رهبری پشت پرده پاکستان ادامه بدهند. در این میان طالبان بدستور استخبارات نظامی پاکستان تدریس تمام مضامین ساینسی اعم از الجبر، هندسه، مثلثات، فزیک، کیمیا، بیالوژی وغیره را از نصاب تعلیمی مکاتب افغانستان کاملاً حذف و در عوض به مضامین دینی افزودند، سؤال در اینست که آیا هدف طالبان این بود که از این همه متعلم که در آیند مفتی، قاضی و یا هم خارنوال بسازند؟

مسلاً که جمعیت سی ملیونی افغانستان به هفت یا هشت ملیون قاضی، مفتی وغیره ضرورت نداشت وندارد، بلکه استخبارات نظامی پاکستان قصد داشت با گسترش بنیاد گرایی در میان اولاد افغان از آنها در جنگهای کشمیر و راه یابی بسوی آسیای میانه استفاده نماید.

از سوی دیگر هموطنان عزیز ما و آنهائیکه در زمان استعمار پاکستان و جریان رژیم طالبان در کابل زنده گی داشتند، شاید بخاطر داشته باشند که بعضاً در کابل زمین لرزه خفیف بمانند زلزله احساس و بدنبال آن از دور دست ها صدای انفجار نسبتاً مهیب به گوش میرسید. شخصاً در آنوقت درکابل در یکی از سازمان صحتی ملل متحد کار میکردم، دو واقعه از این جریان را یاد داشت کرده ام. یکی در تاریخ ۲۷ جوزای ۱۳۷۷ ساعت ده ونیم بجه صبح د دیگری هم ساعت دو نیم بعد از ظهر تاریخ ۶ قوس ۱۳۷۷. هر چند این امر بارها اتفاق افتاده بود. به نظر من پاکستانی ها نوعی آزمایشات زیر زمینی اتمی را در اطراف کابل راه اندازی نموده بودند؛ هر چند در زمان حکومت

شر و فساد تحت رهبری خوجه ئین ربانی نیز اینچنین آزمایشات را گاهی نزدیک به سرحدات وحتى داخل افغانستان در هلمند و قندهار انجام میدادند. البته که مصیبت های بعدی آزمایشات اتمی برای مردم محل کاملاً آشکار است. بلاخره اینکه تعدادی از افراد بیخبر و بعضاً هم مغرض، طالبان را مترادف به قوم پشتون میدانند. عرض شود که طالبان و مزدوران استخبارات نظامی پاکستان متأسفانه در هر قوم افغانستان ریشه دوانیده؛ بناً نسبت دادن طالبان بصورت کُل به قوم پشتون از ریشه غلط است. زیرا طی چهارده یا پانزده سال اخیر جنبش نام نهاد طالبان بیشترین ضربات مخرب را به مردم پشتون و زیر بنا های اقتصادی مناطق پشتون نشین وارد نموده اند. کمتر مکتب، شفاخانه و کلنیک در مناطق پشتون نشین افغانستان از گزند طالبان مصئون مانده و اخیراً طالبان با بیشرمی تمام سرک قیر میان ولایات غزنی و پکتیا را با اسکواتور پاکستانی عمداً تخریب نمودند. طالبان سه هفته قبل دو تن از پشتونهای ملی گرای افغان یعنی عبدالجبار قهرمان و جنرال عبدالرازق را خائینانه به قتل رسانیدند، در حالیکه میدانستند این دو تن در برابر تجزیه طلبان ایران پلو و خراسانی ها بمانند کوه ایستاده و از افغانستان یکپارچه و سربلند دفاع مینمودند.

پایان